

جنگ آینده در ادبیات استراتژیک آمریکا

نویسنده: بهادر امینیان*

تاریخ ارائه: ۷۹/۹/۱۵ تاریخ تصویب: ۷۹/۱۱/۲

کلید واژه‌ها

جنگ آینده، ادبیات استراتژیک، سناریو پردازی، سطح تحلیل، محیط امنیتی، استراتژی نظامی، استراتژی عملیاتی، ارتش آمریکا، جنگ نامتقارن، دیدگاه مشترک ۲۰۲۰

چکیده

در ادبیات استراتژیک آمریکا منابع متعدد و گسترده‌ای در مورد جنگ آینده وجود دارد که آنها را می‌توان بر اساس مدل‌های به کار برده شده و یا سطح تحلیل انتخاب شده دسته‌بندی کرد. این گونه ادبیات دو نوع مدل‌های (سناریو پردازی و پیش‌بینی آینده بر اساس تحلیل روندها) را استفاده کرده و در ۵ سطح (استراتژی ملی، استراتژی دفاعی، استراتژی نظامی، عملیاتی و تاکتیکی) طبقه‌بندی می‌گردند. در این مقاله منابع مختلفی که راجع به جنگ آینده آمریکا وجود دارد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و دیدگاه رسمی منتشر شده توسط ارتش آمریکا (دیدگاه مشترک ۲۰۲۰) تشریح شده آنگاه به جایگاه جنگ نامتقارن در دو سطح خفیف و شدید در استراتژی آینده آمریکا پرداخته است.

مقدمه

جنگ آینده و ترسیم تصویر روشنی از آن همواره دل‌نگرانی اصلی استراتژیست‌ها و تحلیلگران مسائل نظامی و استراتژیک بوده است. موفقیت در ترسیم تصویر نزدیک به

* آقای بهادر امینیان عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) و کارشناس مسائل دفاعی استراتژیک می‌باشند. ایشان ریاست پژوهشکده علوم دفاعی را نیز به عهده دارند.

آنچه رخ خواهد داد و آمادگی برای آن، مزیت فوق‌العاده‌ای به هر کشور خواهد بخشید و در طول تاریخ نیز عدم موفقیت در ترسیم صحیح جنگ آینده باعث بروز شکست‌های سنگینی برای کشورها شده‌است. با توجه به نقش محوری تصویر جنگ آینده در آماده‌سازی نیروهای دفاعی کشور، استراتژی و آموزش نیروهای مسلح، سیاست‌های تهیه و تأمین، بودجه‌بندی، ترتیب و توالی نیرو، آمایش سرزمینی و حتی اتحادها و ائتلافها و همه ابعاد و جهت‌گیریهای دفاعی کشور این مسئله در اندیشه استراتژیک جایگاهی محوری داشته‌است.

در طول دهه‌های گذشته موضوع جنگ آینده، یکی از اولویتهای اساسی در محافل دفاعی - امنیتی و استراتژیک امریکا بوده‌است و این توجه، مباحث گسترده‌ای را در امریکا ایجاد کرده‌است؛ به گونه‌ای که امروز ادبیات نسبتاً غنی و متنوعی در این عرصه در دسترس است. در مقاله حاضر تلاش می‌شود جنگ آینده امریکا از این دید مورد بررسی قرار گیرد.

گسترده‌گی ادبیات جنگ آینده

نگاه به آینده، پیش‌بینی آینده و سناریوهای محتمل در مورد آینده نیز از مباحث رایج و گسترده در محافل علمی، مطبوعاتی و تصمیم‌گیری است که در کنار مباحث جنگ آینده به غنای این بحث می‌افزاید. هرچند که چنین مباحثی در بسیاری از کشورهای دنیا رواج و گسترش دارد ولی از این جهت، هیچ کشوری با امریکا قابل مقایسه نیست؛ دلیل این گسترش و تمایز را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

(۱) منافع جهانی و نقش هژمونیکی که امریکا برای خود در نظر دارد. علاوه بر این به کارگیری نیروهای امریکا در سرتاسر دنیا نیز باعث شده‌است امریکا اهمیت مسئله جنگ آینده را در یک گستره جغرافیایی جهانی در نظر داشته باشد و کمتر کشوری چنین نقش و گسترده‌گی برای خود قائل است.

(۲) هزینه‌های نظامی کلان: حجم انبوه بودجه و هزینه‌های دفاعی باعث شده‌است که تأمین و صرف آنها به توجیه علمی و تحلیلی نیاز داشته باشد به گونه‌ای که در بسیاری از اوقات هزینه کردن آنها باید مبتنی بر تصویری از جنگ آینده باشد.

(۳) فعالیتهای بخش خصوصی: در کنار بخش دولتی و نظامی، بخش خصوصی نیز برای بررسی شرایط سرمایه‌گذاری کلان خود در بخشهای مختلف و مناطق مختلف نیاز

به تحلیلی از روندهای موجود و وضعیت آینده دارد، و این مسئله به گسترش ادبیات جنگ آینده کمک شایان توجهی کرده است. همچنین کمپانیها و شرکتهایی که در بخشهای خاصی فعال هستند تلاش می کنند نقش موضوع فعالیت و تولید خود را در آینده بسیار مهم جلوه دهند و این مسئله را در تصویر جنگ آینده بگنجانند.

(۴) تعدد مراکز تحقیقات استراتژیک، تحقیقات سیاسی و علمی.
 (۵) سیاست مجامع علمی - دفاعی و حتی امنیتی در گسترش انتشارات و محصولات علمی.
 (۶) حساسیت مردم آمریکا نسبت به تلفات و شکست: این موضوع به علاوه تجارب تلخ غافلگیری همانند واقعه پرل هاربر باعث شده است که مسئله جنگ آینده و آمادگی برای آن از اهمیت بیشتری در فرهنگ استراتژیک آمریکا برخوردار شود.
 با توجه به این حجم انبوه، بررسی ادبیات جنگ آینده در آمریکا و انتخاب متون و دیدگاهها کار ساده ای محسوب نمی گردد. در این مقاله نیز تلاش می شود دیدگاهها و متون مختلف، در چارچوب چند طبقه بندی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.
 برای بررسی ادبیات جنگ آینده می توان به مطالعه پاسخهای متفاوت به سؤالات اساسی جنگ آینده پرداخت. این سؤالات عمدتاً درباره ماهیت، کیفیت، زمان، دشمن، سطح درگیری و میزان شدت، عرصه ها و جبهه های نبرد، تکنولوژی و نوع ابزار به کاررفته و موارد مشابه است. ولی پاسخ به چنین سؤالاتی فرصتی بسیار گسترده تر از یک مقاله می خواهد و در این مقاله تنها به دسته بندی ادبیات تولید شده بسنده می شود. در اینجا این ادبیات در دو چارچوب بررسی می شود: چارچوب نخست، بررسی این ادبیات بر اساس متدلوژی و روش به کاربرده شده است و چارچوب دوم مبتنی بر تجزیه و تحلیل این ادبیات بر اساس سطح استراتژیک و سطح برخورد است.

بررسی ادبیات بر اساس متدلوژی به کاربرده شده

همان طور که بیان شد حجم گسترده ای از ادبیات مربوط به آینده و جنگ آینده منتشر شده و برخی از معروفترین این آثار به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. از این گروه می توان به آثار تافلر^(۱)، آثار هاتینگتون^(۲) و همچنین مقاله فوکویاما^(۳) اشاره کرد.
 عمده ادبیاتی که در مورد جنگ آینده تولید شده است دو نوع متدلوژی اصلی را برای بررسی جنگ آینده به کار برده اند؛ متدلوژی نخست بر سناریوپردازی در مورد جهان و جنگ آینده، و متدلوژی دوم بر توصیف روندهای کنونی و پیش بینی جهان آینده بر آن

اساس استوار است.

متدلوژی سناریوپردازی

دهها بررسی بر اساس این متدلوژی در طول دهه ۷۰ تاکنون وجود دارد.^(۴) یکی از اولین مطالعاتی که این شیوه را به کار برده است پروژه تحقیقاتی دهه ۷۰ پیر واک برای شرکت رویال داچ شل است. بخشی از نتایج این مطالعه از سوی وی در دهه ۸۰ منتشر گردید.^(۵) و کل این مطالعه نیز از جانب همکار وی در دهه ۹۰ منتشر شد. این پروژه تحقیقاتی مبنای متدلوژیک بسیاری از کارهایی قرار گرفت که پس از آن در این عرصه منتشر شد.

متدلوژی ارائه شده در این پروژه و طرحهای مشابه از این قرار است:

این روش در نخستین گام، تصمیم یا مسئله اساسی را مشخص می‌کند و عوامل کلیدی تأثیرگذار بر این موضوع محوری را تبیین می‌کند. این عوامل نیروهای پیش‌برنده و روندهای عمده در محیط استراتژیک هستند. سپس آن عوامل بر اساس درجه اطمینان و عدم اطمینان طبقه‌بندی می‌گردند. این مسئله شامل دانسته‌ها و مفروضاتی درباره موضوع می‌شود؛ حرکت بر اساس "دانسته‌ها"، "روندها" و "عدم اطمینانها" در یک شیوه منسجم مشخص می‌شود، و سرانجام، شاخصها تعیین می‌گردد. بنابراین سناریوهایی صراحی می‌شود تا چشم‌اندازهای بدیلی را ایجاد کند و طراحی در یک فضای مبهم را تسهیل کند.^(۶)

یکی از بررسیهای مبتنی بر این شیوه، پروژه "آینده‌های بدیل در سال ۲۰۲۵" است که از سوی نیروی هوایی آمریکا انجام پذیرفت^(۷) و شامل تلاش برای پردازش سناریوهای آینده است. نتیجه منتشره این پروژه به بررسی روندها، مراجعه به آینده‌بینها،^(۸) بررسی مسائل غیرمنتظره و مشخص کردن عوامل مؤثر پیش‌برنده اساسی می‌پردازد. این عوامل پیش‌برنده که شامل دیدگاه آمریکا نسبت به جهان، میزان گسترش تکنولوژی و شبکه قدرت جهانی است، محیط طراحی استراتژیک را ایجاد می‌کند. بر اساس تأثیرگذاری این عوامل، شش سناریوی مختلف جهانی به شرح زیر ایجاد می‌شود:

۱- مدل رنج گالیور: در این سناریو آمریکا با مجموعه‌ای از تعهدات کوچک در اطراف جهان درگیر است.^(۹) بودجه دفاعی محدود، فرصتها و ضرورتهای عملیاتی گسترده و نیازمندها چند برابر است.

- ۲- مدل زایباتزوس^(۱۰): تسلط شرکتهای چندملیتی، دنیا باثبات است ولی هنوز قدرت نظامی اهمیت خود را حفظ کرده است.
 - ۳- مدل دیجیتالی: جهان از جنبه تکنولوژیک بسیار پیشرفت کرده است. نیروهای مسلح تنها با تهدیدات با تکنولوژی بالا روبه‌رو هستند.
 - ۴- مدل شاه‌خان: در این سناریو یک اتحاد آسیایی خصم وجود دارد. آمریکا درگیر مسائل داخلی از جمله مشکلات اقتصادی است.
 - ۵- دشمنان کوچک: رژیمهای امنیتی و ساختارهای اجتماعی متغیری وجود دارد و نیروهای مسلح باید برای تهدیدات متفاوتی آماده باشند.
 - ۶- چهارراه ۲۰۱۵: این سناریو حد واسط بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۵ را سال ۲۰۱۵ می‌داند که در آن آمریکا با چالش استراتژیک روبه‌روست و شیوه پاسخگویی آمریکا بدان دنیاهای متفاوتی را ایجاد می‌کند.
- بررسی بعدی که متدلوژی مشابهی را به کار برده مطالعه‌ای است که از سوی فرماندهی استراتژیک آمریکا انجام شده است.^(۱۱) این گزارش نیز یک موضوع محوری (ابزار جدید بازدارندگی استراتژیک) را مشخص، عناصر پیش‌برنده نامطمئن و مهم مربوط به مسئله (مراکز قدرت و پارادایمهای منازعه) را تعیین و آینده‌های بدیل را ارائه کرده است و همانند مطالعه پیشین به نگارش تاریخ آینده می‌پردازد. براین اساس چهار سناریوی جهانی مختلف تولید شده که عبارت‌اند از:
- ۱- مدل فدراسیون: به هم‌پیوستگی اجتماعی و اقتصادی جهانی، حل منازعات به صورت غیرفیزیکی و نقش محوری تکنولوژی در هدایت همکاری جهانی؛
 - ۲- مدل مبارزه سایبری: دولت - ملتهای مجازی، جنگ چندین بعدی، فردیت تکنولوژیک؛
 - ۳- مدل همکاری جهانی: رژیمهای قوی کنترل بین‌المللی، کنترل سلاحهای انهدام جمعی جهانی، مسئولیت جهانی آمریکا؛ و
 - ۴- مدل جوامع فئودالی: استقلال فروملی، عدم وجود قوانین جهانی منازعه، آمریکای پادگانی.

یکی از کتب منتشره که این متدلوژی را پیگیری کرده و جزء معدود آثار به چاپ رسیده این عرصه به زبان فارسی است، کتاب جنگ آینده آمریکا نوشته پتر شوایتزر و کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع اسبق آمریکاست.^(۱۲) مقدمه کتاب از سوی مارگارت تاچر

نوشته شده است. این کتاب شامل پنج سناریوی ترسیم شده برای جنگ آینده آمریکاست. در هریک از این سناریوها تحولات فرضی یکی از مناطق جهان در آینده ترسیم شده که بر اساس آن در هر منطقه تهدیدی نظامی علیه آمریکا فرض شده و آمریکا مجبور به دخالت نظامی در آن گردیده است. این سناریوها شامل تجاوزات کره شمالی علیه کره جنوبی و حمایت چین و تسخیر تایوان؛ ایران و اشغال بحرین و به کارگیری سلاح هسته‌ای از سوی ایران علیه اروپا؛ مکزیک و قیام نظامی علیه آمریکا؛ روسیه و تهاجم با سلاحهای استراتژیک علیه آمریکا؛ ژاپن و جنگ انفورماتیک و تسخیر فاره آسیا از جانب ژاپن و مقابله آمریکا با ژاپن تسلیح شده است. در تمامی این موارد آمریکا دچار غافلگیری استراتژیک می‌شود و به علت عدم سرمایه‌گذاری مناسب اطلاعاتی توان پیش‌بینی و آمادگی لازم را پیدا نمی‌کند در تمامی این موارد ضعف اصلی آمریکا تأکید بیش از حد بر ابعاد تکنولوژیک اطلاعات و غفلت از جنبه‌های انسانی اطلاعات است که آمریکا را ناتوان ساخته است. ولی در تمامی این سناریوها آمریکا در نهایت موفق به شکست دشمنان قدرتمند خود می‌گردد. این اثر که عمدتاً حالت داستان‌پردازی دارد با مقاصد خاص حرفه‌ای و تأکید بر تقویت توان اطلاعاتی و نظامی نگاشته شده است.

بررسی بعدی را آندرو مارشال در وزارت دفاع انجام داد که در سال ۱۹۹۵ به نام "سناریوهای محیط امنیتی آینده" منتشر گردید.^(۱۳) این بررسی به جستجوی مسائل طراحی دفاعی آینده پرداخته است. بر این اساس روندها تا سال ۲۰۲۰ به چهار جهان متمایز منجر می‌شوند:

- ۱- وضع موجود توسعه یافته: متجاوزان منطقه‌ای، منافع حیاتی آمریکا را تهدید می‌کنند. بی‌ثباتی در بقیه جهان، منافع مهم آمریکا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برنامه‌ریزی نوع نیروهای به کاربرده شده آمریکا در مناطق مهم جهان، مسئله مهمی است.
- ۲- بازیگران کوچک، تأثیرات بزرگ: تکثیر تکنولوژیهای کشنده کاربردهای نامشخصی را ایجاد می‌کند. منازعات منطقه‌ای، امنیت آمریکا و غرب را کاهش می‌دهد.
- ۳- یک قدرت بزرگ دیگر: آمریکا مقام انحصاری رهبری قدرت نظامی را از دست می‌دهد. قدرت بزرگ جدید ضرورتاً منافع آمریکا را تهدید نمی‌کند. انگیزه‌ها و مقاصد نامشخص است.
- ۴- جهان بی‌خطر: تحولات سیاسی جهان باعث می‌شود خطرات نسبت به آمریکا از

بین برود.

پس از مطالعات فوق، به انواع مطالعاتی برمی‌خوریم که تا حدودی همان متدلوزی فوق را دنبال کرده‌اند. از این گروه می‌توان به اثر استفن متز برای انستیتو مطالعات استراتژیک دانشگاه جنگ نیروی زمینی آمریکا با عنوان افقهای استراتژیک اشاره کرد.^(۱۴)

این تحقیق بیانگر آن است که شکل خاص منازعه نظامی آینده از رهگذر تصمیمات سیاسی، تحولات تکنولوژیک، روندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شکل‌بندیهای ژئواستراتژیک پدید آمده معین می‌گردد. این پیچیدگی گیج‌کننده، تعیین قاطع روش جنگهای آینده را غیرممکن می‌سازد.^(۱۵)

سیاستگذاران و رهبران نظامی آمریکا می‌کوشند تا اولین ارتش پست‌مدرن کشور را تعریف و ایجاد کنند تا عمدتاً علیه کشورهای یاغی و یا "رقبای هم‌تراز" که ممکن است در ابتدای قرن ۲۱ پدید آیند به کارگرفته شود.

تصویر رسمی جنگ آینده بیانگر این باور است که "برتری اطلاعاتی" مسئله محوری هر ارتش پست‌مدرن و کلید موفقیت در میدان نبرد است.^(۱۶) وی پنج آینده بدیل را مشخص می‌کند:

- ۱- توازن قدرت کشورها: در این سناریو کشورها کماکان قدرت نظامی به کار می‌برند. اتحادهای متغیر در رقابت با یکدیگر هستند.
- ۲- امنیت سه بخشی جهانی: در این مدل، سه بخش امنیت جهانی وجود دارد که عبارت‌اند از: الف) مناطق امن، پیشرفته با اقتصادهای اطلاعاتی؛ ب) ملت کشورهای خودمختار و متفرق با اقتصاد صنعتی و سلاحهای انهدام جمعی؛ ج) مناطق خشونت بی‌پایان، غیرقابل حکومت با مشکلات زیست‌محیطی.
- ۳- مدل منازعات ایدئولوژیک محور: اختلافات ایدئولوژیک باعث منازعات خشونت‌آمیز می‌شود. آمریکا برای حمایت از متحدین خود نیازمند نمایش قدرت گسترده است.
- ۴- فروپاشی داخلی: منازعات داخلی، دولتهای ضعیف، تبدیل نیروهای آمریکا به نیروهای ویژه.
- ۵- سیستم جنگ اقتصادی: مبارزه بر سر منابع و بازار، و موجودیتهای فراملی با منافع امنیتی باعث می‌شود امنیت و اطلاعات، خصوصی شود. ارتش آمریکا بر جنگ اطلاعاتی متمرکز می‌گردد.

تحقیق بعدی که تا حدودی از متدلوژی فوق استفاده کرده، کتابی است که زالمی خلیل‌زاد و یان لسر برای مؤسسه رند تألیف کرده‌اند و از معدود کتبی در این عرصه است که به زبان فارسی ترجمه شده است.^(۱۷) هدف این کتاب ترسیم سناریوهای امنیتی است که آمریکا با آن روبه‌رو می‌شود. نویسندگان با تحلیل روندهای کلیدی سازنده محیط استراتژیک در سال ۲۰۲۵ چالش‌های استراتژیک بدیل را بحث می‌کنند. سپس به بررسی سناریوهای منطقه‌ای می‌پردازند که می‌تواند به تقاضای کاربرد نیروی نظامی و بویژه نیروی هوایی منجر گردد. از دید این کتاب، عوامل مؤثر عبارت‌اند از اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک در چین و روسیه، همگرایی اتحادیه اروپا، همگرایی مجدد اروپای مرکزی و شرقی، پویایی درونی خاورمیانه، روابط چین و آمریکا و گسترش سلاح‌های هسته‌ای - شیمیایی و بیولوژیک.

این کتاب براساس ۹ مفروضه اصلی، سه سناریوی جهانی را ترسیم می‌کند که عبارت‌اند از: ادامه وضعیت فعلی، وضعیت آینده مطلوب و وضعیت آینده نامطلوب. براین اساس بازیگران اصلی و روندهای اساسی نظام بین‌المللی به شکل جدول زیر شکل می‌گیرند.

جدول سناریوهای آینده^(۱۸)

عناصر	تصویر فعلی	مطلوب	نامطلوب
اروپا	آشفته	فدرالیسم اروپایی	تجزیه جامعه اروپا
روسیه / شوروی سابق	کنفدراسیون روسیه	روسیه‌ای پویا	مرد بیمار اروپا / آسیا
خاورمیانه	رقابت منطقه‌ای	روتن و ثبات	آنارشیسم
چین	مدعی	ایجاد فضای باز	قدرت بانفوذ
ژاپن	تداوم	شریک فعال	رقیب منطقه‌ای
آسیا	برتری ایالات متحده	عضو اتحادیه آمریکا	برتری منطقه
تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و بیولوژیک شیمیایی	متوسط	پایین	بالا
روابط قدرت	درحال تکامل	باثبات	بی‌ثبات
رقیب جهانی؟	نامعلوم	خیر	بلی

این کتاب آنگاه به بررسی جزئی منابع تنش در آسیا، منابع بحران در خاورمیانه بزرگ، و منابع بحران در اروپا و اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌پردازد و نتایج و پیامدهای آنها را برای نیروی هوایی آمریکا در سال ۲۰۵۲ بررسی می‌کند. کار بعدی از سوی مایکل اپنهایمر و استانلی فدر برای "گروه آینده" سازمان سیا انجام پذیرفته است. این کار غیرطبقه‌بندی شده با عنوان "چهارسناریو برای روابط جهانی ۲۰۰۵-۱۹۹۶" منتشر شده است.^(۱۹) تأکید عمده این تحقیق تهدیدات و محیط امنیتی پیش روی آمریکاست. عناصری که می‌توانند بر آینده تأثیر بگذارد عبارت‌اند از: نقش جهانی آمریکا، درجه همکاری بین‌المللی، اهمیت اعمال دولت آمریکا، میزان اقتدار دولت، منابع موجود برای سیاست، نیازهای اطلاعاتی، اهمیت سرعت و به‌کارگیری تکنولوژی. براین اساس، همانند موارد پیش‌گفته، سناریوهای بدیل نیز بررسی شده‌است.

موارد ذکر شده فوق تنها بخشی از ادبیاتی هستند که از متدولوژی سناریوپردازی استفاده کرده‌اند و همان‌گونه که مشخص است این طرح‌ها می‌توانند با ایجاد سناریوهای متفاوت، آینده غیرشفاف را تا حدودی مشخص و طراحی و برنامه‌ریزی را تسهیل کنند.

متدولوژی پیش‌بینی براساس تحلیل روندها

این متدولوژی که بر توصیف روندها متمرکز است در عوض تولید سناریوهای امنیتی چندگانه به توصیف کیفی روندهای مختلف می‌پردازد. این تحلیلها عمدتاً به یک وضعیت و سناریو منجر می‌شوند. آنها بیشتر صورت پیش‌بینی دارند و به گونه‌ای خطی خود را به توصیف کیفی محدود می‌کنند. به تعبیر دیگر این نوع مطالعات با بررسی وضعیت فعلی و روندهای جاری تلاش می‌کنند با استفاده از جهت این روندها به پیش‌بینی آینده بپردازند.

بسیاری از کوششهای دولت آمریکا و سازمانهای دولتی این روش را به کار می‌گیرند. برنامه اطلاعاتی آینده وزارت دفاع تحت عنوان "ارزیابی تهدیدات جهانی" از این گروه محسوب می‌گردد.^(۲۰) این گزارش با تحلیل روند جهانی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی آغاز می‌شود. سپس تحلیل قدرتهای بزرگ، اتحادهای خصم و قدرتهای منطقه‌ای را مشخص می‌کند. مسائل فراملی همانند مهاجرت، پناهندگان، منابع، مواد مخدر و تروریسم ارزیابی می‌گردد و سپس تکنولوژی و تأثیرات آن بر

عرصه‌های جنگ تحلیل می‌شود.^(۲۱)

مطالعات دیگری نیز همین مراحل (مفروضات، روندها، توصیف و خلاصه‌ای از محیط) را طی کرده‌اند. برخی از آنها مسائلی را که موجب عدم اطمینان می‌شوند نیز ذکر می‌کنند. یکی دیگر از چنین کارهایی، پروژه "دهه‌های پیش‌رو" است که از سوی سازمان سیا انجام پذیرفته است.^(۲۲) این پروژه عمدتاً به توصیف ابعاد سیاسی قضیه می‌پردازد و به همین سبب این از اینجا به همین مختصر کفایت می‌شود.

شورای اطلاعات ملی آمریکا، با همکاری انستیتو مطالعات استراتژیک ملی گزارشی را برای گروه دفاع ملی^(۲۳) و بررسی دفاعی چهارساله آمریکا^(۲۴) به نام روندهای جهانی ۲۰۱۰ تهیه کردند.^(۲۵) این گزارش نیز با فرضیات، روندها و توصیف شروع می‌کند و سپس پیامدهای آن روندها را در محیط آینده می‌آزماید. این گزارش بیان می‌کند که تا سال ۲۰۱۰ هیچ غافلگیری استراتژیکی برای آمریکا رخ نخواهد داد هر چند در طول زمان انباشتی از روندها صورت می‌پذیرد. رشد جمعیت، رشد اقتصادی و توسعه ارتباطات اقتدار و ظرفیت دولتها در تأثیرگذاری بر وقایع را کاهش خواهد داد. در عوض، این مسئله بی‌نظمیهای داخلی، مهاجرت، منازعات قومی و دولتهای شکست خورده را موجب می‌شود. آمریکا در چنین محیطی به معیارهای جدیدی برای مداخله نیاز خواهد داشت.^(۲۶)

پروژه ۲۰۲۵ نیز یکی از پروژه‌هایی است که برای خود متدلوژی خاصی دارد. این پروژه در سال ۱۹۹۲ از سوی دانشگاه دفاع ملی آمریکا و انستیتوی مطالعات استراتژیک ملی و پیرو درخواست معاون رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا صورت پذیرفت و پنج مؤسسه مهم تحقیقاتی در آن درگیر شدند که هرکدام روش خاص خود را در پیش گرفتند.^(۲۷) دانشگاه هوستون - یکی از همکاران این طرح - روش استقرایی را در پیش گرفت. آنها سه سناریو در آینده را تصور کردند و سپس آن آینده را تا زمان حاضر تعمیم دادند (مهندسی معکوس). متدلوژی آژانس اطلاعات دفاعی^(۲۸)، طرح یک سلسله فرضیات و سپس ایجاد سناریو است. این گزارش سرانجام از چهار متدلوژی متمایز استفاده کرده و ۱۳ سناریو را برای آینده ترسیم کرده است که از این سناریوها می‌توان به مدل برخورد تمدنها، مدل موازنه قوا، مدل تقسیم کشورها، مدل ساختار جدید امنیتی، مدل تکنولوژی سطح بالا، مدل سبز، مدل جهان تحت تسلط رسانه‌ها،

مدل رقابت در نظم جهانی، مدل تداوم وضع موجود، مدل تداوم و پیشرفت و مدل پیشرفت تکنولوژی سریع اشاره کرد.

بررسی ادبیات جنگ آینده براساس سطح تحلیل

پس از بررسی ادبیات جنگ آینده براساس متدولوژی به کار برده شده، در این قسمت تلاش می‌شود بخش دیگری از این ادبیات براساس سطح تحلیل انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بسیاری از تحقیقات انجام شده و کتب، مقالات و گزارشهای تألیف شده درباره جنگ آینده، هر یک سطحی از مسائل جنگ را مدنظر قرار داده، تحلیل خود را در آن سطح به انجام رسانده‌اند. عده‌ای سطح استراتژی ملی را در نظر گرفته و ب تحلیل مسائل بین‌المللی منطقه درگیری، دشمن و محیط جنگ آینده را بررسی کرده‌اند؛ گروهی به سطح استراتژی نظامی، بخشی به سطح استراتژی عملیاتی و تاکتیکی و پاره‌ای به مسائل تکنیکی جنگ آینده پرداخته‌اند. در این بخش با توجه به تقسیم‌بندی فوق سعی می‌شود فهرست این نوع ادبیات به صورت بسیار مختصر ذکر گردد. شایان ذکر است که در این بخش تلاش شده است از انبوه ادبیات منتشر شده، برخلاف بخش پیشین، تنها به ذکر آن ادبیاتی بسنده گردد که دیدگاه رسمی مقامات آمریکا و بویژه مقامات دفاعی آمریکا را منعکس می‌کنند. این ادبیات بر اساس سطح تحلیل انتخاب به شرح زیر است:

سطح استراتژی ملی

عمده دیدگاه رسمی آمریکا در این سطح از طریق گزارشهای نوبه‌ای کاخ سفید منعکس می‌شود. دو گزارش به نام "استراتژی امنیت ملی برای قرن جدید" در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ به ترسیم محیط امنیتی آمریکا و استراتژی آمریکا در این محیط می‌پردازد. (۳۹)

همچنین کاخ سفید قبل از آن در سال ۱۹۹۶ تحقیقی تحت عنوان استراتژی امنیت ملی برای درگیری و گسترش منتشر ساخت. (۳۰) در سال ۱۹۹۱ نیز استراتژی امنیت ملی آمریکا از سوی کاخ سفید منتشر گردید. (۳۱)

علاوه بر کاخ سفید، کمیته‌هایی نیز از سوی مقامات ارشد آمریکا برای تعیین وضعیت آینده و محیط امنیتی که آمریکا در آن درگیر است، تشکیل شده و گزارشهایی

در این مورد منتشر کرده‌اند. از این گروه باید به گزارش کمیسیون امنیت ملی آمریکا تحت عنوان "در جستجوی استراتژی ملی" اشاره کرد که دارای سه بخش "جهان جدید در حال ظهور"، "جستجوی استراتژی ملی" و "تلاش برای صلح در آینده" است.^(۳۲) همچنین کتاب استراتژی برای قرن بیست و یکم، که در بخش پیشین تشریح گردید، در همین سطح قرار می‌گیرد.^(۳۳)

سطح استراتژی دفاعی

در سطح دفاعی نیز وزارت دفاع گزارش‌هایی نوبه‌ای راجع به وضعیت آینده، تصور آمریکا از جنگ آینده و استراتژی دفاعی آمریکا در آن فضا منتشر می‌کند که عمدتاً به عنوان استراتژی رسمی دفاعی آمریکا نیز محسوب می‌گردد. معروفترین آثار منتشر شده وزارت دفاع آمریکا در این عرصه عبارت‌اند از:

بررسی دفاع چهارساله ۲۰۰۱^(۳۴)، بررسی دفاعی چهارساله ۱۹۹۷^(۳۵)، گزارش بررسی از پایین به بالا.^(۳۶)

همچنین وزیر دفاع و کمیته‌های دفاعی نیز در گزارش‌های نوبه‌ای خود به بحث جنگ آینده توجه ویژه‌ای دارند؛ از این گروه می‌توان به گزارش کمیسیون دفاعی ملی تحت عنوان امنیت ملی در قرن ۲۱^(۳۷) و گزارش وزیر دفاع در سال ۱۹۹۷ تحت نام گزارش ابتکار اصلاح دفاعی^(۳۸) و گزارش وی در سال ۲۰۰۰ تحت عنوان "نقاط کنترل ابتکار اصلاح دفاعی در سال ۲۰۰۰"^(۳۹) اشاره کرد. همچنین وزیر دفاع در گزارش‌های سالانه به ریاست جمهور و کنگره سعی در ترسیم این تصویر دارد.^(۴۰) علاوه بر این باید کتاب "جنگ آینده آمریکا" نوشته واینبرگر^(۴۱) را که در بخش پیش توضیح داده شد در همین گروه طبقه‌بندی کرد. نکته مهم در این سطح، اهمیت فوق‌العاده دو مسئله "انقلاب در امور نظامی" و "جنگ اطلاعاتی" است که هر یک نیازمند توضیح‌اند. تقریباً اکثر این انتشارات در این سطح، نقطه تمرکز خود را بر این دو موضوع قرار داده و معتقدند که جنگ آینده به شدت تحت تأثیر این دو روند پرشتاب و تعیین‌کننده قرار دارد.

سطح استراتژی نظامی

ادبیات رسمی این سطح از سوی ستاد مشترک ارتش آمریکا منتشر می‌گردد. از این گروه می‌توان به "یک استراتژی نظامی برای دوران جدید"^(۴۲) و همچنین گزارش

"استراتژی برای درگیری انتخابی و منعطف" (۴۳) اشاره کرد. شاید یکی از معتبرترین و اساسی‌ترین منابعی که در این عرصه منتشر شده و آن را می‌توان مهمترین بیان دیدگاه رسمی آمریکا در مورد جنگ آینده دانست (۴۴) سندی است به نام "دیدگاه مشترک ۲۰۱۰" که اخیراً مورد تجدیدنظر قرار گرفته و تحت نام "دیدگاه مشترک ۲۰۲۰" منتشر شده است. (۴۵) به علت اهمیت این سند در ادامه این مقاله در مورد آن توضیحات بیشتری ارائه می‌شود. همچنین رئیس ستاد مشترک ارتش در گزارشهایی که سالانه بخصوص در برابر کمیته نیروهای مسلح مجلس ارائه می‌دهد به موضوع جنگ آینده نیز می‌پردازد.

سطح استراتژی عملیاتی و تاکتیکی

در این سطح، هریک از نیروهای چهارگانه محیط عملیاتی آینده خود و تصویری را که از جنگ آینده دارند، ارائه می‌کنند. این اسناد عبارت‌اند از:

الف - نیروی زمینی

رئیس ستاد نیروی زمینی "دیدگاه نیروی زمینی سال ۲۰۱۰" (۴۶) را به عنوان یک سند رسمی در این مورد منتشر کرده است. همچنین بیانیه وضعیت نیروی زمینی در سال ۲۰۰۱ (۴۷) و گزارش تحول نیروی زمینی (۴۸) از سوی انستیتو نبرد زمینی بیانگر دیدگاههای نیروی زمینی آمریکا نسبت به جنگ آینده است.

ب - نیروی دریایی

بخش نیروی دریایی در وزارت دفاع، گزارشهای نوبه‌ای خود را در مورد دیدگاه نیروی دریایی درباره جنگ آینده و محیط عملیاتی منتشر می‌کند. این گزارشها عبارت‌اند از: "به پیش... از دریا: هر زمان، هر جا" (۴۹) و همچنین گزارش این بخش در سال ۱۹۹۴ (۵۰) و گزارش "آماده‌سازی نیروی دریایی برای قرن ۲۱" (۵۱).

ج - تفنگداران دریایی

فرمانده تفنگداران دریایی آمریکا نیز در گزارشهای نوبه‌ای دیدگاه خود را بیان می‌دارد. "مانور عملیاتی از دریا" در سال ۱۹۹۹ (۵۲) و "استراتژی تفنگداران دریایی ۲۱" (۵۳) در سال ۲۰۰۰ در همین راستا قرار دارند.

د - نیروی هوایی

رئیس ستاد نیروی هوایی نیز در گزارش "چالاکی، ثروت و قدرت جهانی: دیدگاه نیروی هوایی در سال ۲۰۲۰" دیدگاه خود نسبت به جنگ آینده را منتشر کرده است. همان‌گونه که بیان شد موارد فوق تنها بخشی از منابعی است که در این باره منتشر شده و می‌توان در هر قسمت منابع متعدد و مشروحی را ذکر کرد که از سوی مراکز تحقیقات استراتژیک، مراکز آموزشی و دانشگاهها، مؤسسات نیروهای مسلح، کمبسیونهای مختلف، دانشگاههای جنگ و دانشکده‌های فرماندهی و ستاد هریک از نیروها منتشر می‌شود. یکی از این منابع کتابی است که ژنرال اسکال نوشته و دانشگاه جنگ نیروی زمینی تحت نام "منتخب جنگ آینده" منتشر کرده است و در آن به دوره‌های جنگ، ویژگی جنگ در قرن ۲۱، آمادگی برای مقابله با دشمنان، مانور در قرن ۲۱، چالشهای امنیتی نیروی زمینی، جنگ شهری و رهیافت غیرمستقیم، متحدین و نقش تکنولوژی پرداخته است. (۵۴)

درمورد بخش تکنیکی و نیز در مورد تکنولوژی و تحولات آن و بویژه انقلاب در امور نظامی مباحث مفصلی ارائه شده که از حوصله این مختصر خارج است.

دیدگاه مشترک ۲۰۲۰

دیدگاه مشترک ۲۰۲۰ به عنوان یکی از اصلی‌ترین سندهای رسمی، بیانگر نظر نیروهای مسلح آمریکا نسبت به محیط امنیتی و جنگ آینده است. براساس این سند نیروی نظامی بدین منظور به کار می‌رود تا محیط امنیتی بین‌المللی را شکل دهد و باید آماده پاسخ به طیف کاملی از عملیات نظامی بالقوه باشد؛ هرچند تأکید اصلی، نیاز به آمادگی برای آینده نامطمئن است. این سند تداوم تحول نیروهای مسلح را هدایت می‌کند. براساس این سند، تهدیدات علیه آمریکا، مسئولیتها و منافع و متحدین این کشور تداوم خواهد یافت و منافع جهانی آمریکا به خطر خواهد افتاد. (۵۵)

براساس این دیدگاه، نیروهای مشترک به دلیل قابلیت انعطاف و پاسخگویی، کلید موفقیت در نبرد آینده خواهد بود. و برتری مادی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه مسئله مهمتر، دکترین، سازمان، تعلیم و تربیت، رهبران و نیروهایی هستند که به طور مؤثر بتوانند از مزیت‌های تکنولوژی استفاده کنند.

دو عامل این عوامل را بشدت تحت تأثیر قرار می دهند؛ اول تداوم تحول و تکثیر تکنولوژیهای اطلاعاتی که شیوه هدایت عملیات را تغییر می دهند، و دوم اینکه نیروهای مسلح باید اتکا بر توان ابداعات تکنیکی و فکری را ادامه دهند.

سه ویژگی جهان تا سال ۲۰۲۰ تأثیر مهمی بر نیروهای مسلح آمریکا خواهند داشت: (۱) آمریکا کماکان منافع جهانی خواهد داشت و با مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای روبه‌رو خواهد شد. این نیروها باید برای پیروزی در طیف گسترده‌ای از عملیات نظامی در هر بخش از جهان آماده باشند (این مسئله توجیه‌گر حجم انبوه نیروی نظامی و بودجه دفاعی است).

(۲) دشمنان بالقوه به پایگاههای صنعتی تجاری جهانی و تکنولوژیهای دسترسی خواهند داشت، که ارتش آمریکا از آن استفاده می‌کند. نباید انتظار داشت که رقابت آمریکا در سال ۲۰۲۰ نیز با ابزار دوران صنعتی بچنگند. برتری تکنولوژیک نیاز به ابداعات، رهبران، دکترین و آموزشهای برتر دارد.

(۳) دشمنان بالقوه نیز همپای آمریکا تحول می‌یابند. برتری فعلی آمریکا ایستا نیست. در مقابله با توانمندیهای آمریکا، استفاده از رهیافتهای نامتقارن و تمرکز بر تکنولوژیهای ویژه افزایش می‌یابد و تواناییهای غیرمقارن جدی‌ترین خطر برای آمریکا در آینده نزدیک خواهد بود. موشکهای بالستیک امکان دسترسی مستقیم به سرزمین و مردم آمریکا را فراهم می‌سازد. تأثیر روانی یک تهاجم از خسارات فیزیکی بسیار مهمتر است. (۵۶)

دشمن آمریکا ممکن است مزیت‌های نامتقارن را در سطح استراتژیک، سطح عملیاتی و یا تاکتیکی با مشخص کردن آسیب‌پذیریهای کلیدی و مشخص کردن مفهوم نامتقارن و توانایی ضربه آنها استفاده کند. دشمنان آمریکا ممکن است ترکیبی از روشهای نامتقارن را به کار ببرند و یا آمریکا با تعدادی از دشمنان روبه‌رو شود که در ترکیب با یکدیگر تهدید نامتقارنی ایجاد کنند. این تهدیدات نامتقارن پویا هستند و دستخوش تغییر می‌شوند. (۵۷)

با توجه به مسائل فوق است که سند حکم می‌کند ارتش آمریکا باید قادر به دستیابی به برتری همه‌جانبه باشد و با توجه به ویژگی جهانی منافع و تعهدات آمریکا، باید توان حضور ماورای بحار، توانایی نمایش قدرت سریع و دستیابی به سلطه همه‌جانبه را حفظ کند.

دیدگاه مشترک ۲۰۲۰ نیز سرانجام بر اطلاعات تأکید می‌کند و اطلاعات، پردازش اطلاعات و شبکه‌های ارتباطی را محور هر فعالیت نظامی می‌داند.^(۵۸)

جنگ نامتقارن*

یکی از مهمترین محورهای مندرج در ادبیات استراتژیک معاصر آمریکا مفهوم جنگ نامتقارن است. امروزه عدم تقارن یکی از محوری‌ترین مفاهیم در تفکر رسمی آمریکا در مورد جنگ آینده تبدیل شده است. در این‌گونه ادبیات دو نوع عدم تقارن مطرح می‌گردد که یکی از آنها جنگ نامتقارن خفیف می‌باشد. براساس تعاریف ارائه شده جنگ نامتقارن خفیف جنگی است که در آن سعی می‌شود از رویارویی مستقیم با یک دشمن برتر اجتناب گردد و با استفاده از تاکتیکهای جنگ و گریز، فریب، پوشش، پراکندگی و به‌کارگیری عرصه‌های مختلف نبرد همانند شهرها، کوهها، جنگلها و جنگ چریکی بر دشمن ضربه وارد ساخت^(۵۹) و ضمن احتراز از نقاط قوت دشمن، با تأکید بر نقاط ضعف وی دشمن برتر را به مغلوب تبدیل کرد.

عدم تقارن شدید نوع دوم این شیوه جنگ می‌باشد. این نوع جنگ توسط نیروی نظامی برتر مورد استفاده قرار می‌گیرد تا تلفات و خسارات خودی را به حداقل برساند. در نمونه‌های جدیدتر، طرف برتر تلاش می‌کند با استفاده از تکنولوژی برتر، اطلاعات، آموزش، رهبری، توانایی طراحی و هدایت عملیاتهای پیچیده نوعی سلطه قاطع بر میدان نبرد پیدا کند و از این راه تلفات خود را کاهش دهد.^(۶۰)

ارتش آمریکا شیوه جنگ نامتقارن شدید را که نبرد با عراق در طول جنگ خلیج فارس را مدل موفق آن می‌دانند^(۶۱) الگوی مطلوب آمریکا در طول دهه‌های آینده معرفی می‌کند و می‌کوشند طراحیها و برنامه‌ریزیهای خود را در این راستا سامان دهند.^(۶۲)

از سوی دیگر ارتش آمریکا از آسیب‌پذیریهای ذاتی رنج می‌برد که دشمنان آمریکا براحتی می‌توانند در یک رویکرد نامتقارن از این نقاط ضعف برای ضربه‌زدن به نیروهای آمریکا و تأثیر بر اراده آمریکا استفاده کنند. استفاده از قایقهای تندرو در طول مقابله نیروهای ایران با نیروهای آمریکایی در دوران دفاع مقدس، تاکتیکهای به کار رفته شده توسط نیروهای ویتنامی و همچنین نیروهای فرج عیدید در جنگ سومالی^(۶۳) علیه نیروهای آمریکایی از نمونه‌های مشخص استفاده از این نوع شیوه جنگ است که

* Asymmetry

احتمالاً در آینده نیز تداوم خواهد یافت. در نتیجه آمریکا جایگاه خاصی برای جنگ نامتقارن خفیف در تصور جنگ آینده خود قائل خواهد بود. همان‌گونه که در مباحث بالا نیز ذکر گردید ارتش آمریکا استراتژی اصلی و رسمی خود در جنگهای آینده را جنگ نامتقارن شدید با مؤلفه‌های پیش‌گفته قرار داده است.

بنابراین هر دو شیوه جنگ نامتقارن در طول دهه‌های آینده برای آمریکا از دو بعد متفاوت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهد بود و این مسئله در ادبیات استراتژیک آمریکا در مورد جنگ آینده کاملاً متبلور است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که مشخص است جنگ آینده اهمیت فوق‌العاده‌ای در ادبیات و فرهنگ استراتژیک آمریکا دارد و انبوه ادبیات تولید شده در این عرصه نیز شاخص این ویژگی است. عمده این بررسی‌های منتشر شده از متدلوژی سناریوپردازی و یا متدلوژی تحلیل روندها و پیش‌بینی آینده و فرآیند مهندسی معکوس استفاده می‌کنند. در تمامی آثار بررسی شده این نکته مشخص است که پیش‌بینی دقیق ویژگیهای جنگ آینده کاری بسیار مشکل است و جنگ آینده تابع تأثیر عوامل متعددی است که بسیار پویا و متغیرند و این پیچیدگی و پویایی در تعامل با یکدیگر نتیجه واضح و مشخصی را روشن نمی‌سازند. باید به این مسائل پیچیده، علایق شخصی و سازمانی و منافع مادی دست‌اندرکاران این تحقیقات را نیز اضافه کرد که در مواردی تلاش دارند مسئله خاصی را بزرگ جلوه دهند.

علی‌رغم پیچیدگیها و پویاییهای فوق‌الذکر، عامل انقلاب در امور نظامی یکی از مسائل قابل توجه در تصور آمریکا از جنگ آینده است. تحولات تکنولوژیک و انقلاب اطلاعاتی دو رکن اصلی این انقلاب محسوب می‌گردند و از اهمیت ویژه‌ای در جنگ آینده برخوردارند، و این مسئله در بسیاری از این ادبیات منعکس شده که آمریکا باید برتری تکنولوژیک و برتری اطلاعاتی را به عنوان دو رکن اساسی حفظ کند.

اغلب پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از آن است که تا آینده نزدیک تحول عمده‌ای برای آمریکا رخ نخواهد داد و آمریکا باید نقش و قدرت برتر خود را در یک چارچوب نامتقارن در تمامی عرصه‌ها حفظ کند. هرچند بزرگترین تهدید علیه آمریکا تهدیدات نامتقارن است که می‌تواند این کشور را غافلگیر، و ضربات سهمگینی بر آن وارد سازد. (۶۴)

یادداشتها

- ۱- بسیاری از آثار تافلر و از جمله کتاب موج سوم وی در چارچوب نگاه به آینده است ولی کتاب زیر بیشترین توجه را به جنگ آینده بویژه ماهیت جنگ در موج سوم کرده است: انوین و هایدی تافلر، جنگ و ضدجنگ (تهران: نشر سیمرغ، ۱۳۷۲).
- ۲- مجتبی امیری، نظریه برخورد تمدنها: هانتینگتون و منتقدانش (تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۷۵).
- ۳- فوکویاما، "فرجام تاریخ و واپسین انسان". ترجمه علیرضا طبیب، مجله سیاست خارجی، تابستان و پاییز ۱۳۷۲. صص ۳۹۲-۳۶۷.
- ۴- بخشی از مباحث این قسمت با استفاده از مطالب طرح شده در این منبع نگاشته شده است.
- ۵- The United State Commission on National Security 21st Century. *New World Coming : American Security in the 21st Century*. (U.S., C.N.S., 1999).
- 5- Pierre Wack, "Scenarios : Uncharted Waters Ahead". *Harward Business Review*. Sep. 04. 1985; and Pierre Wack. "Scenarios : Shooting the Rapids", Nov/Dec. 1985.
- 6- The United State Commission.... *Op.Cit.*, p.11.
- 7- Joseph A. Engelblecht. *Alternative Futures for 2025 : Security Planning to Avoid Surprise* (U.S. Air Force. April 1996).
- 8- Futurists
- ۹- وجه تسمیه این مدل اشاره به داستان گالیور است که در سرزمین آدم کوتوله‌ها با انبوهی از ریسمانهای کوچک به بند درآمده بود.
- ۱۰- اشاره به نام کمیانیهای بزرگ ژاپنی. *رساله جامع علوم انسانی*.
- 11- U.S. Strategic Command. *Implications of Change to Strategic Thinking*. 1998.
- ۱۲- کاسپار واینبرگر و پیتر شوایتزر، جنگ آینده آمریکا. ترجمه یحیی شمس (تهران: انتشارات آثار، ۱۳۷۷). شان توضیح است که به علت عدم دسترسی به متن انگلیسی از متن ترجمه شده استفاده شده است.
- 13- Andrew Marshall, *Scenarios of the Future Security Environment*. (United States Department of Defense. 1995).
- 14- Steven Metz. *Strategic Horizons* (Carlisle. Strategic Studies Institute, 1997).
- 15- *Op.Cit.*, p.27.
- 16- *Op.Cit.*, p.28.
- ۱۷- زالمی خلیل‌زاد و یان اسر، استراتژی برای قرن بیست و یکم. ترجمه مرکز تحقیقات و بررسیها (تهران: نشر آمن، ۱۳۷۹).
- ۱۸- همان، ص ۵۱.

- 19- Michael Oppenheimer and Stanley A. Feder. *Four Scenarios of Global Relations, 1996-2005*, (U.S., C.I.A., 1996).
- 20- Department of Defense Futures Intelligence Program, Global Threat Assessment. 1998.
- 21- The United States Commission *Op.Cit.*, p.16.
- 22- Defense Intelligence Agency, *The Decades Ahead, 1998-2018*, 1998.
- 23- National Defence Panel
- ۲۴- این نامی است که وزارت دفاع آمریکا برای استراتژی نظامی کشور انتخاب کرده و آن را به تصویب رسانده است.
- 25- National Intelligence Council. *Global Trends 2010*, Nov, 1997.
- 26- *Op.Cit.*, p.38.
- همچنین برای مطالعه بیشتر درباره مداخله آمریکا و به کارگیری نیروی نظامی آن کشور در مناطق مختلف دنیا این منبع مطالب مفیدی ارائه می‌کند.
- 27- Alvin Bernstein et al., *Project 2025*. (U.S. : National Defence University, 1992).
- ۲۸- DIA بخش اطلاعاتی ارتش
- 29- A National Security Strategy for a New Century. The White House, Dec. 1999; and A National Security Strategy for a New Century. The White House, May 1997.
- 30- *A National Security Strategy of Engagement and Enlargement*. The White House, February 1996.
- 31- *National Security Strategy of the United States*, The White House, Aug. 1991.
- 32- The United States Commission on National Security, *Seeking A National Strategy*, April 2000.
- ۳۳- زالمی خلیل‌زاد و یان لسر، پیشین.
- ۳۴- شایان ذکر است این گزارش هنوز منتشر نشده و نی وزارت دفاع اعلام کرده است که آن را در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۱ منتشر خواهد کرد.
- 35- *The Quardinal Defence Review 1997*, Office of the Secretary of Defence, May 1997
- 36- *Report on the Bottom Up Review*, Office of the Secretary of Defence, Oct. 1993
- 37- *Transforming Defense : National Security in the 21st Century*, National Defense Panel, Dec. 1997
- 38- William S. Cohen, *Defence Reform Initiative Report*, Secretary of Defense, Nov. 1997.
- 39- William S. Cohen, *Defence Reform Check Points 2000*, Secretary of Defense, 2000.
- ۴۰- به طور مثال :
- William S. Cohen, *Annual Report to the President and the Congress-2000*, Secretary of Defense.

- ۴۱- همان، کاسپار واینبرگر و پیتر شوایتزر، پیشین.
- 42- *Shape, Respond, Prepare Now : A Military Strategy for a new Era*. Joint Chiefs of Staff. 1998.
- 43- *A Strategy of Flexible and Selective Engagement*, Joint Chiefs of Staff. 1995.
- 44- Metz, *Op.Cit.*, p.28.
- 45- *Joint Vision 2020*. Joint Chiefs of Staff. June 2000.
- 46- Dennis J. Reimer. *Army Vision 2010*, Chief of Staff U.S. Army.
- 47- United States Army Posture Statement. FY01
- 48- Jack Keane. *Army Transformation*. (Arlington : Institute for Land Warfare, Oct. 2000).
- 49- *Forward ... From the Sea : Anytime, Anywhere*, Department of the Navy, 1998.
- 50- *Forward ... From the Sea*. Department of the Navy. Sep. 1994.
- 51- *Preparing the Naval Service for the 21st Century*. Department of the Navy. Sep. 1992.
- 52- C.C. Krulack, *Operational Maneuver from the Sea*. Commandant of the Marine Corps, 1999.
- 53- J.L. Jones. *Marine Corps Strategy 21*. Commandant of the Marine Corps, Nov. 2000.
- 54- Major General Robert Scales. *Future Warfare Anthology* (Pennsylvania : U.S. Army War College, 1999).
- 55- Joint Vision 2020. *Op.Cit.*, p.5.
- 56- *Op.Cit.*, p.8.
- 57- *Op.Cit.*, p.8.
- 58- *Op.Cit.*, p.18.
- 59- Steven Metz. *Armed Conflict in the 21st Century* (Carlisle, U.S. Army War College, 2000). p.11.
- 60- *Ibid.*
- ۶۱- برای بررسی بیشتر در مورد تلفی آمریکا از این مدل جنگ بنگرید به:
سیدرضا میرطاهر، "نبرد هوایی در جنگ خلیج فارس : درسهایی برای نبردهای آینده". *مجله سیاست دفاعی*، سال دوم، شماره ۲ (بهار ۱۳۷۳)، صص ۱۴۲-۱۱۳.
- ۶۲- ژنه راملین و کریس دمچاک، "جنگ خلیج فارس : پیامدهای تکنولوژیک و سازمانی"، ترجمه گروه مطالعات جنگ، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۱۲ (پاییز ۱۳۷۴)، صص ۱۵۲-۱۳۱.
- ۶۳- برای مطالعه بیشتر در مورد ضرباتی که آمریکا در جنگ سومالی متحمل شد بنگرید به:
داری بلچمن، "تهدید و به کارگیری نیرو در سیاست خارجی آمریکا"، ترجمه بهادر امینیان. *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۲۸ (پاییز ۱۳۷۸)، صص ۹۷-۶۱.
- 64- *Op.Cit.*, p.18.